تحلیل تشبیه و جایگاه آن در شعر شفیعی‌کدکنی[1]

حجت‌الله بهمنی‌مطلق[2]

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۴
تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲

چکیده

مهم‌ترین شگرد و زیربنای همه‌ی شگردهای تصویرآفرینی در شعر تشبیه است. بنابراین تحلیل تشبیه می‌تواند برای شناخت وجوه زیبایی و درک مفهوم شعر و همچنین نگرش وگرایش و سبک‌شعری شاعر مفید باشد.در این مقاله ما تشبیه‌ها شعر شفیعی‌کدکنی را از دو مجموعه‌ی شعری وی استخراج کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم تا از این طریق بخشی از وجوه هنری، گرایش‌های فکری، نوآوری‌های ادبی و ویژگی‌های سبکی شعرشان کشف شود. برای این منظور ابتدا به طبقه‌بندی تشبیه‌ها طبق بلاغت سنّتی پرداختیم، سپس تشبیه‌ها کلیشه‌ای و مستعمل و تشبیه‌ها نو را شناسایی و بررسی کردیم. پس از طبقه‌بندی و تحلیل مشبه‌به‌ها در هشت حوزه‌ی معنایی، دو ویژگی شاخص تشبیه‌ها یعنی جانب موسیقایی تشبیه‌ها و طبیعت‌گرایی در تشبیه‌ها را بررسی کردیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شفیعی‌کدکنی سخت دل‌بسته‌ی طبیعت است و عنصر موسیقی شعر بویژه موسیقی درونی برایش بسیار اهمیت دارد تا جایی که در بسیاری از تشبیه‌ها در انتخاب لفظ مشبه و مشبه‌به تلاش می‌کند جنبه‌ی موسیقایی الفاظ رعایت شود.

واژگان کلیدی: شعر معاصر. شفیعی‌کدکنی. تشبیه. حوزه‌ی معنایی مشبه‌به

---

۱ – استخراج شده از طرح پژوهشی اجرا شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

۲ – استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق. h.bahmanimotlagh@yahoo.com

مقدمه

تشبیه هر چند به عنوان یکی از عناصر صور خیال در شعر مطرح است امّا مهم‌ترین عنصر و نیز زیربنای تمام شگردهای تصویرآفرینی است. تشبیه در حقیقت تلاش ذهنی شاعر است برای ایجاد پیوند بین دو پدیده‌ی متفاوت و گاه بی‌ربط. یافتن این ربط و کشف این شباهت علاوه بر این که بیان‌گر توان ذهن و تخیّل شاعر است، دیدگاه و نگرش او را به هستی و همچنین تاثیرپذیری او را از اوضاع جامعه بر ما آشکار می‌کند. به دنبال تحولات بنیادی و گسترده‌ی فرهنگی پس از انقلاب مشروطه در ایران، نه تنها صورت و قالب آثار ادبی متحوّل شد بلکه از نظر درون‌مایه و اندیشه و نگرش شاعران هم ما شاهد تغییرات اساسی هستیم. شاعران معاصر از زاویه‌ای جدید به هستی، جامعه و انسان می‌نگرند. بخشی از نمود این نگاه نو در حوزه‌ی تشبیه و تصاویر شعری آشکار می‌شود. « در شعر کهن تکوین تصویر در یک بیت صورت می‌گرفت، در بیت یک یا دو تصویر ارائه می‌شد و تکوین پیدا می‌کرد. گاهی این تصویر به یکی دو بیت دیگر نیز تجاوز می‌کرد ولی به طور معمول به دلیل بیت‌پرستی قدما و به دلیل وجود قافیه‌ای محدودکننده، تصویر یک بیت به بیت دیگر منتقل نمی‌شد و یا در صورت انتقال به بیت دیگر در آن تکوین خود را به اوج می‌رساند و پایان می‌پذیرفت »(براهنی،۱،۱۳۷۱: ۲۹۵) در حالی که یکی از نقاط قوّت تصویر در شعر معاصر، در محور عمودی خیال است. واحد شعر نو از حد مصراع و بیت فراتر است. گاه یک تصویر در کل یک شعر گسترده است و با تصاویر دیگر پیوند دارد و «این تلفیق و تکوین تصاویر که شکل ذهنی شعر را ممکن می‌سازد شعر امروز را از شعر کهن که شکل ذهنی خود را در یک بیت متجلّی می‌ساخت، جدا می‌کند.» (پیشین: ۲۹۵) در شعر سنتی« تصاویر در سراسر شعر پراکنده‌اند و تنها موضوع یا وزن و قافیه‌ی واحد است که این توده‌ی پراکنده و متنوع را به دنبال خود می‌کشد

»(فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) عناصر تصویر در یک قصیده‌ی سنتی ممکن است شامل مواد معدنـــی، حیوانات آبی و خاکی، ابزار جنگی و پدیده‌های گوناگون باشـــد حال آن که در شـــعر نو به طور معمول به دلیل انسجام فرم و ساخت شعر و این که واحد شعر از حد مصراع و بیت فراتر می‌رود، تصویرها با هم تناســـب دارند ؛ به طور مثال شـــفیعی در شـــعر صرف و نحو زندگی (هزاره:۴۰۲) برای تصویرسازی از واژگان دستور زبان مانند: جمله‌های ســـاده، فعل لازم، اسم جامد، اشتقاق، ســـوال و مرجع ضمیر استفاده می‌کند. تناســـب بین این واژه‌ها به انســـجام و یک‌پارچگی شعر کمک می‌کند. بنابراین بررســـی و تحلیل تشـــبیه‌هایی علاوه بر این که نگرش و دیدگاه شـــاعر را به هستی و جامعه معرفی می‌کند و میزان تأثیرپذیری او از روزگار خودش و از شاعران گذشته و نیز میزان نوآوری او را بر ما آشـــکار می‌کند، از این طریق بخش قابل توجهی از ابعاد هنری و زیبایی شعر شاعر تبیین می‌شود.

اگـــر دیدگاه منطقی‌ها را درباره‌ی شـــعر بپذیریم که شـــعر را کلام موزون و مخیّل می‌دانند، جوهر و عنصر اصلی شـــعر خیال اســـت و خیال «در ســـاده‌ترین شـــکل آن تصویری اســـت که به کمک کلمات ســـاخته شده‌اســـت. یک توصیف یا صفت، یک اســـتعاره، یک تشبیه ممکن است یک ایماژ بیافریند و بر روی هم مجموعه‌ی آن‌چه را که در بلاغت اسلامی در علم بیان مطرح می‌کنند با تصرفاتی می‌توان موضوع و زمینه‌ی ایماژ دانست»(شفیعی‌کدکنی،۱۳۶۶: ۹) و به تعبیری دیگر تصویر«حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر است به وسیله‌ی کلمات در دو نقطه‌ی معین»(براهنی،۱،۱۳۷۱: ۱۱۴) مبنای این حلقه زدن و پیوند رابطه‌ی مشابهتی ست که شاعر به کمک نیروی تخیّل و بر اســـاس دیدگاه و نگرش خویش کشف کرده‌است. بنابراین «تشبیه هسته‌ی اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شـــاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیّل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کند و

در صورت‌های مختلف به بیان درمی‌آورد.»(پورنامداریان،۱۳۷۴: ۱۸۱) ما در این مقاله تشـــبیه‌ها شعر شـــفیعی را از دو مجموعه‌ی شعری آیینه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی اســـتخراج کرده و ســـپس به طبقه‌بندی و تحلیل آنها پرداخته‌ایم تا از این رهگذر بخشی از وجوه زیبایی و نوآوری‌های شعری و نیز گرایش فکری و تا حدودی ویژگی سبکی شعر وی آشکار شود.

تحلیل تشبیه‌ها

بنا بر جســـتجوی ما در دو مجموعه‌ی شـــعری آیینه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی که شـــامل دوازده دفتر شـــعری ست، ۴۵۶ تشـــبیه یافته شد. در زیر این تشبیه‌ها را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی و با ذکر آمار دقیق آنها را تحلیل می‌کنیم:

۱-طبقه‌بندی تشبیه‌ها

۱-۱-انواع تشبیه از نظر ساختمان:

تشـــبیه‌ها را از نظر ساختمان دو دسته می‌شـــوند: یکی تشبیه‌های که طرفین آنها به صورت مضاف و مضاف‌الیه می‌آیند که آنها را فشـــرده می‌نامیم. دوّم تشـــبیه‌های کـــه طرفین آنها به صورت اضافی نیامده‌اند و گاهی ارکان دیگر تشـــبیه هم در آنها ذکر شـــده اســـت و از آنها به‌عنوان تشبیه گسترده نام می‌بریم. در میان تشبیه‌ها شعر شـــفیعی ۳۶۲ تشبیه فشرده و ۹۴ تشبیه گســـترده یافته شده‌است. تشبیه‌ها فشرده از ارزش هنـــری بالاتری برخوردارند چرا که حذف ادات و وجه‌شـــبه منجر به تلاش ذهنی خواننده برای کشـــف وجه‌شـــبه می‌شـــود و گاه خواننده بـــا توجه به ذهنیت خود وجه‌شـــبهی می‌یابد که حتّی به ذهن شـــاعر هم نرسیده‌اســـت و به این شـــکل خواننـــده هم در فرایند آفرینش اثر هنری ســـهیم می‌شـــود و از آن لذت بیشـــتری

می‌برد. فراوانی این تشـــبیه‌ها در دفترهای شـــعری دوازده‌گانه در جدول زیر نشان داده‌می‌شـــود:

تشبیهات/دفترها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	مجموع
فشرده	۴۹	۶۱	۳۲	۲۸	۱۸	۱۳	۲۴	۳۰	۳۲	۳۹	۱۱	۲۵	۳۶۲
گسترده	۱۴	۱۶	۲	۵	۶	۱	۵	۸	۹	۱۳	۵	۱۰	۹۴

۱-۲- انواع تشـــبیه از نظر مفرد و مرکب بودن: از این منظر تشـــبیه‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۱- مفرد به مفرد: تشبیهی‌ســـت که طرفینش مفرد باشـــند. از ۴۵۶ تشبیه،۴۴۷ تا یعنی حدود ۹۸٪ تشـــبیه‌ها از این دســـته‌اند. در تشبیه‌ها مفرد گاهی مشبه یا مشبه‌به همراه با صفت یا اضافه و یا قیدی می‌آید که به آن تشـــبیه مقیّد می‌گویند. ۱۴ مورد از تشـــبیه‌ها مفرد مقیّد به صفت یا قیداند و به طور معمول هم یک پدیده‌ی طبیعی مانند: درخت خشک کج و گاهی یک امر انتزاعی مانند یقین که بردمد از بستر گمان در آنها همراه با قید آمده‌است؛ مانند:

نمای دهکده آیینه‌ی تهی‌دستی است / درخت خشک کجی همچو دست مفلوجی / شده است بیهده از آستین جوی برون (آیینه:۱۳۲)

در این غروب جشن و چراغانی / همچون کمان رستم بر طارم سپهر / یا چون یقین که بردمد از بستر گمان / روی چه ایستاده پل خواجو در زیر آسمان ؟ (هزاره:۷۷)

۱-۲-۲- مفرد به مرکب: تنها نمونه‌ی این نوع تشـــبیه مورد زیر اســـت که در آن نگاه معشـــوق به صحنه‌ای که از ترکیب صبح و ســـاحل شکل گرفته، تشبیه شده‌است: آیینه‌ی نگاهت پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران (آیینه:۳۶۵)

۱-۲-۳-مرکب به مرکب: تشبیهی‌ست که تصویر آن از چند چیز منتزع شده باشد به بیان دیگر مجموعه‌ای به مجموعه‌ای دیگر تشـــبیه شـــده باشد. از این گونه ۶ نمونه یافته شد. در زیر یکی دو نمونه بررسی می‌شود:

با لکه‌های ابر سپیدت که شامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشت افق فرود / چون سوسنی سپید که پرپر شود ز باد/بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود(آیینه:۹۸)مجموعه‌ی لکه‌های ابرسفید درشامگاه در افق به سوسن‌های سپیدی تشبیه شده‌اند که بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود پرپر شوند.

سوی اشکم نگهت گرم خرامید و چه زیباست / آهوی وحشی و در چشمه‌ی روشن نگرستن (آیینه: ۳۷۰) این‌جا گرایش نگاه معشوق به اشک عاشق به آهویی وحشی تشبیه شده که به چشمه‌ای روشن می‌نگرد.

۱-۲-۴- مرکب به مفرد: نمونه‌ای در شعر شفیعی پیدا نشد.

۱-۳- تشبیه‌ها از نظر طرفین تشبیه:

هر کدام از طرفین تشبیه ممکن است یک امر حسی یا عقلی باشد بر این اساس تشبیه‌ها چهار دسته می‌شوند: حسی به حسی، حسی به عقلی، عقلی به حسی و عقلی به عقلی. آمار تشبیه‌ها شعر شفیعی از نظرطرفین تشبیه در جدول زیر نشان داده می‌شود:

انواع تشبیه از نظر طرفین	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	معقول به معقول	محسوس به معقول
تعداد	۲۴۴	۱۹۹	۴	۸

با استناد به این آمار ۵۳/۶ % از مجموع تشبیه‌ها محسوس به محسوس،۴۳/۷ % معقول به محسوس، ۰/۸ % معقول به معقول و ۱/۷ % محسوس به معقول است. طبق این آمار باید گفت فراوانی تشبیه‌ها محسوس به محسوس بی‌ارتباط با طبیعت‌گرایی در شعرشان نیست. ۹۹ مورد از این تشبیه‌ها مشبه‌شان و ۱۸ مورد طرفین‌شان از پدیده‌های طبیعت است که همگی از امور محسوس به شمار می‌آیند.

۱-۴- تشبیه‌ها مرسل و موکّد:

تشبیه مرسل تشبیهی‌ســت که ادات تشبیه در آن ذکر شده و موکّد تشبیهی که ادات آن حذف شده‌اســت.در میان ۴۵۶ تشــبیه استخراج شــده، تنها در ۴۷مورد ادات تشبیه ذکر شــده و موکّد محسوب می‌شــوند و در ۴۰۹مورد دیگر ادات حذف شده و مرسل شــمرده می‌شــوند. بنابراین ۱۰/۳ % از کل تشــبیه‌ها موکّد و۸۹/۷ % مرســل است. ادات این تشــبیه‌ها موکّد همان اداتی اســت که در شعر ســنتی فارسی رایج بوده‌است. این ادات عبارتنداز: همچو(۴مورد)، چون (۲۳مورد)، چو(۴مورد)، چنان‌چون، به‌رنگ(۲ مورد)،بسانِ(۲مورد)، مثل (۸مورد)، همچون، گویی، وار.

۱-۵- تشبیه‌ها مجمل و مفصّل:

تشبیه‌ها مفصّل در شعر شفیعی‌کدکنی بسیار کم است و در میان مجموع ۴۵۶ تشبیه ۲۵ مورد تشبیه مفصّل دیده می‌شود. همان تعداد محدود هم یا از تشبیه‌های‌ست که نو و تازه‌اند ؛ مانند تشبیه روح شاعر به عصمت آیینه‌ها(آیینه:۱۲۴)، شب به هزارپا(آیینه:۴۳۶)، خنیاگر کور به پیامی دروغین(هزاره:۱۶۸) و یا از مواردی‌ست که وجوه‌شبه متعدد و متنوع است و شاعر وجه‌شبه خاصی را در نظر دارد ؛ مانند تشبیه معشوق به گهر(آیینه:۳۰) که می‌توان وجوهی مانند ارزشــمندی،کمیابی و بی‌مانندی و... را بین آن دو در نظر گرفت امّا شاعر« زینت‌بخشی آغوش و کنار» را به‌عنوان وجه‌شبه ذکر کرده تا مانع گرایش ذهن خواننده به آن وجوه مبتذل شــود. یا این که شاعر وجه‌شبهی تازه یافته که زیبایی تشبیه در آن اســت ؛ مانند تشبیه عاشــق به هلال(آیینه:۳۷) که یک تشبیه مکرّر و مبتذل است و می‌تــوان وجوه مشــابهتی مانند لاغری و نحیفی و زردی را بــرای آن در نظر آورد امّا وجه‌شبه ذکر شده برای آن«سر شوریده بر زانوی غم داشتن» است. این وجه‌شبه به تشبیه تازگی بخشیده‌اســت. یا به طور مثال تشبیه شــخص به دریا (آیینه: ۸۷)که تشبیه مبتذل

اســت با وجه‌شبه‌هایی مانند: بزرگی، وســعت و دست و دل‌بازی، امّا شاعر «در خویش سفر کردن از خویش» را که رابطه‌ی تازه‌ای ست بین آن دو یافته که ذکر آن بر زیبایی و تازگی تشبیه افزوده است.

۱-۶- تشبیه جمع و تسویه:

تشــبیه جمع: یعنی تشــبیهی که یک چیز به چند چیز مانند شود.در نمونه‌های زیر یک مشــبه به دو مشــبه‌به تشبیه شده است ؛ پل خواجو به کمان رستم و یقین و کتاب هستی به سفینه و دریا مانند شده‌است:

در این غروب جشــن و چراغانی / همچون کمان رســتم بر طارم ســپهر / یا چون یقین که بردمد از بستر گمان / روی چه ایستاده پل خواجو در زیر آسمان ؟ (هزاره:۷۷)

کتاب هستی ما این سفینه این دریا / دوباره آیا شیرازه بسته خواهد شد (هزاره:۶۹)

تشبیه تسویه: از این نوع تشبیه که بر عکس تشبیه جمع، چند مشبه به یک مشبه‌به تشــبیه می‌شود، ۱۷ مورد یافته شــد. نکته‌ی قابل توجه در این تشــبیه‌ها این که میان مشبه‌ها تناسب لفظی رعایت شده ؛ به طور مثال تشنگی و تباهی به تور، ستاره و سنگ به اسم جامد تشبیه شده‌است: ما در میان زخم و شب و شعله زیستیم/ در تور تشنگی و تباهی/ با نظم واژه‌های پریشان گریستیم (هزاره:۱۱۵)جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار/ فعل لازم نفس‌کشیدن‌گیاه/اســم جامد ستاره، سنگ/اشتقاق برگ از درخت/و آنچه زین قبل سوال‌هاست(هزاره:۴۰۲)

۱-۷-تشبیه ملفوف و مفروق:

هر گاه چند تشبیه در سخن باشد اگر مشبه‌ها جدا و مشبه‌به‌ها جدا بیایند، ملفوف و اگر هر مشــبه‌به در کنار مشبه خود بیاید، مفروق نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد این

گونه تقسیم‌بندی برای شعرکلاسیک مناسب باشد که واحد شعر در آن بیت است و در شعر نو با توجّه به تغییر ساختار شعر جایگاهی ندارد. با وجود این در بخش‌هایی از بعضی شعرهای شفیعی چند تشبیه پی‌درپی آمده که به تشبیه‌ها مفروق نزدیک است؛ مانند: آیینه‌ی نگاهت پیوندصبح و ساحل/لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران (آیینه:۳۶۵) در مصراع اول نگاه معشوق به پیوند صبح و ساحل، و در مصراع دوم لبخندش به صبح تشبیه شده‌است.

کیست در آنجا کنار چشمه که خود را / از گره موج می‌گشاید تصویر/ موی سپیدش:غبار لشکر ایام / ذهنش: آیینه‌ای موازی شبگیر (آیینه:۴۶۳) در این شعر هم ابتدا تشبیه موی سپید به غبار لشکر غم و سپس تشبیه ذهن به آیینه‌ی موازی شبگیر آمده‌است.

۱-۸-تشبیه خیالی:

تشبیهی که « مشبه‌به آن امری غیر موجود و غیر واقعی‌ست که حداقل مرکب از دو جزء است امّا تک‌تک اجزای آن حسی و موجودند»(شمیسا، ۱۳۷۶: ۷۹) نمونه‌های معدودی از این گونه تشبیه در شعر شفیعی دیده می‌شود ؛ مانند: رخش رویین غرور(آیینه:۱۱۰)که مشبه‌به رخش رویین خیالی است. مرغ عقیقین بال زرین‌پیکر آتش(آیینه:۱۲۴) مرغی که بالش از عقیق باشد وجود خارجی ندارد. باران ابریشمین نگاهت(آیینه:۱۲۶) بارانی از ابریشم وجود خارجی ندارد.

بعضی دیگر انواع تشبیه مانند: تشبیه مشروط، مقلوب، تفضیل و تمثیل در شعر شفیعی دیده نشد.

۲- حوزه‌ی معنایی مشبه‌به‌ها:

تشـــبیه اغلب پیوندی‌ست بین ذهن و عین. شاعر برای آنچه در ذهن دارد مشابهی از عالم عین انتخاب می‌کند و در برابر آن می‌گذارد. واژه‌ای که از نظام گسترده‌ی زبان انتخاب می‌شـــود و در جایگاه مشـــبه‌به قرار می‌گیرد، می‌تواند بیان‌گر نگرش، باورها، پایگاه اجتماعی و علایق شـــاعر باشـــد که مســـتقیم به آنها اشـــاره‌ای نکرده‌است و از شـــاخص‌های سبکی شاعر محسوب می‌شـــود چرا که طبق دیدگاه زبان‌شناسان«سبک محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است» (شمیسا،۱۳۷۸: ۲۳) ما در زیر مشـــبه‌به‌های شعر شفیعی را از نظر حوزه معنایی طبقه‌بندی می‌کنیم تا ببینیم بیشتر مربوط به کدام حوزه‌اند و از این طریق بتوانیم رابطه‌ای بین نگاه و اندیشه‌ی شاعر و مشـــبه‌به‌ها را پیدا کنیم. ابتدا مشـــبه‌به‌های هر دفتر را که بر اساس موضوعاتی هشتگانه طبقه‌بندی کرده‌ایم، می‌آوریم و سپس به نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

حوزه‌ی‌معنایی	طبیعت	زندگی‌وجامعه‌ی‌امروز	امور انتزاعی	جانوران‌وحیوانات	زندگی‌وتمدن‌سنتی	پرندگان	امور مذهبی	اصطلاحات‌علمی و ادبی
دفتر اول	۳۴	۰	۲	۱	۸	۳	۲	۰
دوم	۲۸	۰	۰	۱	۸	۰	۱	۰
سوم	۱۰	۱	۰	۰	۱	۰	۳	۵
چهارم	۱۵	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۰
پنجم	۷	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۱
ششم	۶	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۱
هفتم	۸	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۰
هشتم	۱۰	۰	۱	۰	۲	۰	۲	۲
نهم	۷	۰	۰	۰	۱	۳	۰	۱
دهم	۱۳	۳	۰	۰	۸	۱	۰	۱
یازدهم	۱	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰
دوازدهم	۶	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴
مجموع	۱۴۵	۶	۳	۷	۳۹	۸	۸	۱۵

بررســـی مشـــبه‌به‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشـــبه‌به‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن ســـنتی و کهن اســـت.

بسامد بالای مشبه‌به‌ها در این دو حوزه معنی‌دار است. طبیعت در شعر شفیعی نمودی پـر رنگ و گسـترده دارد. عناصر و پدیده‌های گوناگون همچـون: ابر، دریا، کوه، باد، باران، رود، تندر و طوفان، درخت، سـتاره و ماه و مهتاب، صبح، گنجشـک و سیره و سـار، شـقایق و آفتاب‌گردان و... در آن نقش‌آفرینی می‌کنند.گاه نمادهایی می‌شوند تا پـرده از بیـداد و تبه‌کاری‌های بشـری بردارند و آلام و دردهای انسـان را واگو کنند. گاه به مدد نیروی خیال شـاعر طبیعتی دیگر را در آیینه‌ی شـعر به نمایش می‌گذارند و انسـان درمانده در جامعه‌ی صنعتی و به دور مانده از طبیعت را دوباره به بازگشـت بـه دامن طبیعت فرا می‌خوانند و گاهی هم انسـان و طبیعـت به هم پیوند می‌خورند. درشـعر شفیعی«انسان و طبیعت از هم جدا نیسـتند. صفاتشان هم‌گون است. جامه‌ی طبیعت بر قامت انسـان و جامه‌ی انسـان بر قامت طبیعت می‌زیبد. گاه انسـان باران اسـت و طبیعت آفتاب و گاه به گونه‌ی وارون »(زرقانـی، ۱۳۸۳: ۵۷۵) نکته‌ی دیگر ایـن که اگـر بپذیریم که مثلث هویت شـعر شـفیعی را « تاریـخ و فرهنگ گرایی، انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی»(پیشین:۵۷۹) تشکیل می‌دهد، طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشه‌ی شاعر دارد. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به طبیعت هم نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شفیعی است.

فراوانی مشـبه‌به‌های مربوط به زندگی و تمدن سنّتی هم با ضلع دیگر هویت شعر شـفیعی یعنی«تاریخ و فرهنگ‌گرایی» ارتباط دارد. بنا به گزارش تألیفات و پژوهش‌ها، شـفیعی دل‌بسـته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی اسـت. این علاقه‌مندی در شعرش به شکل‌های مختلف همچون اقتباس مضمون، تضمین بیت یا مصراع، تصویرهای شعری و...(بهمنی‌مطلق،۱۳۹۲) نمود یافته‌است. مشبه‌به‌هایی مانند: چرخشـت، مجمره، مِجری، خرقه،دستار، سبو، رخش رویین، چاووش، قلعه، دریچه، هودج، جام،شـهربند، سـرمنزل، شهسـوار و... که از زبان کهن فارسی انتخاب شده و

مربوط به زندگی سنتی ست، نشان دهنده‌ی این سلیقه و گرایش فکری شفیعی است.

۳-جانب موسیقایی تشبیه‌ها:

یکی از ویژگی‌های تشبیه‌ها شفیعی‌کدکنی رعایت وجه موسیقایی آنهاست. همچنان که وی در مباحث نظری، موسیقی یا آهنگ در معنای عامش را یکی از ضروریات شعر می‌داند و معتقد است«شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیّل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است»(شفیعی‌کدکنی،۱۳۸۲:۸۶) در عمل هم به رعایت جانب موسیقایی شعر سخت پایبند است و نه تنها به وزن و قافیه اکتفا نمی‌کند و به شعر بی‌وزن اعتقادی ندارد، بلکه سعی می‌کندکه تا حد امکان جانب موسیقایی درونی را هم لحاظ کند. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شفیعی به حدی است که شگردهای مختلف موسیقی‌افزایی مانند واج‌آرایی، سجع، جناس و تکرار، یک ویژگی سبکی وی به شمار می‌آید. از میان ۴۵۶ تشبیهی که از دوازده دفتر شعری استخراج شده، در۵۴ مورد بین طرفین تشبیه تناسب لفظی رعایت شده است. رعایت جنبه‌ی موسیقایی بین لفظ مشبه و مشبه‌به باعث می‌شود تا هماهنگی آن دو بیشتر شود ؛ یعنی هرچند شاعر ادعا کرده‌است که مشبه از جهتی شبیه و مانند مشبه‌به است، نزدیکی در لفظ به شکل‌های واج‌آرایی، جناس و سجع، علاوه بر افزایش موسیقی، همانندی و شباهت بین طرفین تشبیه را هم افزایش می‌دهد و در بعضی موارد که تشبیه با لفظ دیگری در شعر فارسی سابقه داشته و تکراری و کلیشه‌ای شده است، به مدد این شیوه نو و تازه گردیده ؛ به طور مثال تشبیه «سلسله‌ی زمان» در شعر فارسی سابقه دارد امّا وقتی شفیعی به جای «سلسله» واژه‌ی «زنجیره» را به کار می‌برد و تشبیه « زنجیره‌ی زمان»(آیینه:۲۸۲) را می‌سازد، علاوه بر این‌که با تکرار واج «ز» و «ن» بر موسیقی کلام می‌افزاید به تشبیه تازگی هم می‌بخشد. شکل‌های مختلف این تکرارها را می‌توان در دسته‌های زیر مشاهده کرد:

۳-۱- تکرار واج در آغاز. مانند:

جام جمشـــید جنون، ستاک صبح، شعرهامان شمع‌هایی خرد، ساحل سکوت، شط شـــب، زنجیره‌ی زمان، سلسله‌ی سرما، تیشه‌ی تگرگ، شط روان شن‌ها، تور تصادف، تور تشنگی و تباهی، هیمه‌ی هر هول، شطی از شتاب، تیر تبار تهمت، بیشه‌ی باورها، کاغذ کاهی کویـــر، مجمر مرجان، زنگار ظلمت، طورِ تامل، هســـتی هیمه‌وار، صفّه‌ی صنوبران، شیار شبهه و شک، کوچه‌ی کلام مخیّل.

۳-۲- تکرار واج در پایان: واجموج.

۳-۳- تکرار هجا در آغاز: آسمان آرزوها ، کوچه‌های کودکی.

۳-۴- سجع متوازن بین مشبه و مشبه‌به: شط شب، مجمر مرجان.

۳-۵- آرایه‌ی قلب: کوله بار ابر.

۳-۶- تتابع اضافات:

جامِ جمشـــیدِ جنون،دژخیمِ مرگزایِ زمستان،رشته‌یِ ابریشمِ شفق،چشمه‌سارِ سحرِ سرودش، تیرِ تبارِ تهمت، قاره‌یِ بی‌قرارِ عشق،کاغذِ کاهیِ کویر،مجریِ مجموعِ توانایی و توشم،کوچه‌یِ کلامِ مخیّل.

۴-تشبیه و طبیعت گرایی:

شـــفیعی‌کدکنی به گزارش اشعارش سخت دلبسته‌ی طبیعت است و طبیعت‌گرایی

در شـــعرش جایگاه ویـــژه‌ای دارد و به گونه‌های مختلف نمود یافته اســـت. نمود این طبیعت‌گرایی را می‌توان در شکل‌های «۱- توصیف شاعرانه‌ی طبیعت ۲-شخصیت‌بخشی به عناصر طبیعت ۳- سمبلیک کردن طبیعت و عناصر طبیعی ۴- از بین بردن فاصله‌ی میان انســـان – شـــاعر با طبیعت»(زرقانی،۱۳۸۳: ۵۷۴) مشـــاهده کرد. عنصر غالب در تشـــبیه‌ها شفیعی طبیعت اســـت از میان ۴۵۶ تشبیه در ساختمان ۲۳۲ تشبیه در جایگاه مشـــبه یا مشـــبه‌به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت اســـتفاده شده‌است. جلوه‌های گوناگون طبیعت علاوه بر این که موجد تصویرهای زنده و جذّاب شده، از نظر زبان و معنی هم به شعر غنی و گستردگی بخشیده‌است. این تشبیه‌ها را با توجه به این که عنصر طبیعت در کدام جایگاه آمده باشد به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۴-۱-تشبیه‌های که مشبه آنها از عناصر طبیعت است:

این‌گونه تشـــبیه‌ها به طور معمول در شـــعرهایی دیده می‌شود که شاعر به توصیف طبیعت پرداخته‌است. شاعر به مدد این تشبیه‌ها تصاویر زیبایی از پدیده‌های طبیعت ارائه کرده است. پدیده‌های توصیف شده در این تشبیه‌ها عبارتند از:۱-پدیده‌های‌آسمانی ؛ مانند: ابر، ستاره، رعد و برق، سپیده، شهاب، شفق، ستاره،آسمان،صائقه،هلال، آذرخش، تگرگ ، ســـپهر، کهکشـــان ، تندر، برف ، ذوذنب.۲-گیاهان: برگ، درخت خشک کج، خار، لاله،درخت صنوبر،گل‌های ســـاده مریم، شـــکوفه،درخت پر شکوفه،ســـبزه،گل آفتاب‌گردان، سرشـــاخه‌ها،باغ، نار ســـبز سرشـــاخه‌ها، نفس‌کشـــیدن گیـــاه، صنوبران ۳-پدیده‌های مربوط به دریا و رودخانه: موج، مرجان، جوی، رود، جویباران، نســـیم و آب و جویبار ۴-باد و طوفان: باد، نسیم، طوفان، تند باد، باد، نسیم،گردباد.

۴-۲-تشبیه‌های که مشبه‌به آنها از عناصر طبیعت است:

در این تشـــبیه‌ها به طـــور معمول یک امر معقول وگاه پدیده‌ای محســـوس به یک عنصـــر طبیعی تشـــبیه شده‌اســـت. انتخاب پدیـــده‌ی طبیعی در جایگاه مشـــبه‌به برای آن اســـت تا مشـــبه که امری انتزاعی و غیر محســـوس است، حســـی و قابل تصور و تجســـم جلوه کند. مشبه‌به‌ها را با توجّه به حوزه‌ی معنایی‌شان می‌توان در این دسته‌ها جای داد:۱-پدیده‌های آســـمانی: خنده‌ی مهتاب، آیینه‌ی خورشـــید، گریز باران از درّه به صحرا، آســـمان، هلال، خورشـــید، میغ، رنگین کمان، خورشـــید، ابر، باران، آسمان تنگ،آذرخش۲-پدیده‌هـــای مربوط به دریا و رودخانـــه: رقص ماهی و پیچ وتاب آن، صدف خالی افتاده به ساحل، گهر، گرداب، موج، دریا، ساحل، رودخانه، شط، خزه‌ی ســـبز لطیف، برکه، مردابک، چشـــمه‌ی روشـــن و آهوی وحشی،چشمه‌ی جوشان،سه رود،لجن، چشـــمه۳-گل و گیاهان: باغ(۱۰مورد)، دشت(۵ مورد)،کشتزار،صحرا، گل شن،گل،بوســـتان،گلبرگ،چمنزار،گل‌های سپید و روشـــن، جنگل، صحاری،کوچه‌باغ، مزرع،سبزه‌زار مخمل، باغ پر صنوبر، شبدر،درخت، باغی پر از شقایق و مینا و لادن۴-باد و طوفان: باد صبح، باد، نسیم، تندباد،

۴-۳- تشبیه‌های که طرفین آنها از عناصر طبیعت است:

ایـــن تشـــبیه‌ها اغلب بـــه قصد توصیف طبیعت ســـاخته شـــده و بـــه کمک آنها تصاویـــر زیبایـــی از طبیعت ارائه شده‌اســـت ؛ به طـــور مثال در شـــعر« زادگاه من» کـــه به توصیف روســـتای زادگاهـــش پرداخته می‌گویـــد: « با لکه‌های ابر ســـپیدت که شـــامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشـــت افق فرود / چون سوســـنی ســـپید که پرپر شود ز بـــاد / بـــر موج‌های ســـاحل دریاچه‌ای کبـــود »(آیینه:۹۸)، ابرهای ســـفیدی که در پهنه‌ی افق هنگام شـــام پراکنده‌اند،تشـــبیه شـــده‌اند به برگ‌های سوســـن سفیدی که

بـــاد آنها را پرپر کرده و بر روی موج‌های دریاچه‌ای کبودرنگ پراکنده‌اســـت. با این تشـــبیه تصویری زیبا از یک صحنه‌ی طبیعت ارائه شده‌اســـت. این تشـــبیه‌ها غالباً در شـــعرهایی دیده می‌شـــود که به توصیف طبیعت اختصاص دارنـــد مانند: زادگاه من (آیینه:۹۶)، باغ خودرو(آیینـــه:۱۰۵)،در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی(آیینه:۱۲۶)،در اقلیم بهار۳(آیینه:۳۵۷)،شـــب خارایی(هزاره: ۹۸)، مثل نقاشی کودکان (هزاره: ۲۶۳)، طاووســـی امیّد (هزاره:۲۶۵)، حضور (هزاره:۲۷۲)، بـــاغ انار (هزاره: ۳۷۲)، ابرکبود (هزاره:۴۷۶). از این تشـــبیه‌ها به نمونه‌های زیر می‌توان اشـــاره کرد:

ابـــر در آبـــی صبـــح – قاصـــدک برکاســـنی‌زار(آیینه: ۱۰۵)، ســـتارگان – گلبرگ (آیینه:۱۲۷)،ســـتاره ناهید – برگ(آیینه: ۱۸۱)، شـــفق – باغ ســـرخ(آیینه:۲۱۴)،نیماب تگرگی بر ســـبزه – هاله‌ای گرد ماه (آیینه:۳۵۷)، شن–شـــط روان(هزاره:۱۹)،گل‌های اقاقـــی– مهتاب(آیینه:۱۲۷)،بوتـــه‌ی طاووســـی امید–طاووســـی کـــه صبـــح چتـــر بگشـــاید(هزاره:۲۶۵)،گلنارهای قرمز و ســـبز برگ‌ها – یاقوت ســـرخ بر زبرجد سیال (هزاره: ۳۷۲)

۵–تشبیه‌ها تکراری و مبتذل:

منظور تشـــبیه‌های اســـت که در شعر فارســـی رایج بوده و شـــاعران در دوره‌های مختلف از آنها اســـتفاده کرده‌اند از همین روی کهنه و مســـتعمل‌اند و رابطه‌ی بین دو طرف تشـــبیه لو رفته و مخاطب برای کشف وجه‌شبه نیاز به هیچ تلاش ذهنی ندارد و به تبع آن لذتی هم از آن نمی‌برد. این تشبیه‌ها را به دو دسته‌تقسیم می‌کنیم:

۵–۱–تشبیه‌های که در شعر فارسی سابقه داشته‌اند و به طور عینی در شعر شفیعی تکرار شـــده‌اند. هر چند نمونه‌ی مشابه این تشبیه‌ها در شعر شاعران دوره‌های مختلف دیده می‌شود امّا فراوانی این نمونه‌ها در شعر بعضی شاعران مانند شاعران سبک هندی

بی‌دلیلی نیست شاید متاثّر از دلبستگی بیشتر شفیعی به آنها و یا نتیجه‌ی مطالعه و پژوهش‌های استاد درباره‌ی شعر آنها باشد. در زیر بعضی از این تشبیه‌ها را همراه با نمونه‌ی مشابه آنها از شعر شاعران گذشته می‌آوریم:

برگی از باغ سخن هات ار بود / هستی صد باغ و بارانش بهاست(آیینه:۱۹)

هرچه در شاخ هنر باغ سخن طوطی داشت / همه را داعیه بر تو در دام گرفت(انوری)

از شهربند عقل به سر منزل جنون / این‌سان به شوق دیدن روی تو آمدم (آیینه:۴۷)

ای عقل نیست جای تو سر منزل جنون / این شیشه را ز سنگ ملامت نگاه دار (صائب)

دامن گلچین پر از گل بود از باغ حضورت / من چو باد صبح از آن جا با تهی دستی گذشتم(آیینه:۵۸)

طاووس من از باغ حضور که خبر یافت / کز رنگ من آیینه پر و بال برآورد(بیدل)

تشبیه‌ها تکراری و مبتذل(مشبه- مشبه‌به): نگاه – جام (آیینه:۲۶)، من(عاشق) – پروانه (آیینه:۳۹)،صبر و شوق – کاروان (آیینه:۴۱)،همت – مرغ (آیینه:۴۳)،حسرت و غم – گرد (آیینه:۴۵)، طلب – بیابان (آیینه:۵۱)، غم – غبار(آیینه:۵۵)، نگه – بهشت (آیینه:۵۷)، همت – شهبال (آیینه:۵۸)، فلک – محراب (آیینه:۶۰)، دل – شبنم (آیینه:۶۵)، عشق – گلشن (آیینه:۶۸)، شوق – سلسله (آیینه:۷۰)، غم و حسرت – موج (آیینه:۷۱)، محبت – کوی (آیینه:۷۸)، دل – کعبه (آیینه:۸۰)، خموشی – مهر (آیینه:۸۳)، فنا – باد (آیینه:۸۸)، آرزو – گل (آیینه:۹۴)، عمر – کاروان شتابنده (آیینه:۱۰۳)، خیال – شبستان (آیینه:۱۱۱)، مهتاب – چشمه (آیینه:۱۲۴)، چشم – آیینه (آیینه:۱۲۴)،خواب – غبار (آیینه:۱۲۴)، خیال – باغ (آیینه:۱۲۷)، سخن – نسیم (آیینه:۱۲۷)، چشم – خورشید (آیینه:۱۲۸)، ابر – پنجره (آیینه:۱۳۱)،

بـــال – مقراض (آیینـــه: ۱۴۵)، لاله – چراغ (آیینه:۱۸۰)، ســـحر – جوی (آیینه:۱۹۵)، آســـمان – خیمه (آیینه:۲۵۸)، یادها – آیینه (آیینه:۲۵۹)، شـــب – دشت (آیینه:۲۶۵)، هـــلال – داس (آیینه:۲۸۷)، نظاره – شـــط، (آیینه:۳۲۸)، دســـت – پـــل (آیینه:۳۳۵)، جویباران – چشـــم (آیینه:۳۶۵)، چشـــم – آینه (آیینه:۳۶۷)، تمنا – دام (آیینه:۳۷۰)، جان – رشته (آیینه:۳۷۰)، مهر – رشته (آیینه:۳۷۰)، حادثه – باران (آیینه:۳۹۰)، غربت – کـــژدم (آیینه:۳۹۵)، وجود –دفتر (آیینه:۴۲۲)، عشـــق – کیمیـــا (آیینه: ۴۷۶)، عمر – چشـــمه‌ی جوشـــان(آیینه:۴۸۱)، یقین – تیغ (هزاره:۵۱)، غم– آتش(هزاره:۵۹)، هستی – کتاب(هزاره:۶۹)، حادثه – تندباد(هزاره:۶۹)، ســـپهر– طارم (هزاره:۷۷)، پل خواجو – کمان رســـتم(هزاره:۷۷)، صبح – پیراهن(هـــزاره:۸۹)، جور – عقاب(هزاره:۱۲۲)، آرزو – بـــاغ (هزاره:۱۲۶)، ایام – دفتر (هزاره:۱۴۷)، اندوه و غم – باران(هزاره:۱۵۰)، تزویر – پرده(هزاره: ۱۶۰)، عشـــق – نردبان(هزاره:۱۹۱)آرزوها – کتاب(هزاره:۲۲۳)، مشـــرق – دریچه (هزاره:۲۸۰)، سبزه – زبان (هزاره:۲۹۰)، اندوه – کوه (هزاره:۲۹۴)، خاک – زنجیر (هزاره:۳۰۶)، روز و شب – مرکب (هزاره: ۳۷۷).

در جدول زیر آمار تشبیه‌ها مشترک با شاعران گذشته ارائه می‌شود:

شاعر	رودکی	فردوسی	امیرمعزی	ناصرخسرو	سنایی	ابوالفرج	نظامی	خاقانی	عطار	مولوی	سعدی	امیرخسرو	حافظ	سیف فرغانی	وحشی	غالب دهلوی	حزین	سپهری تسلی	صائب	بیدل	فروغی	ادیب‌الممالک
تعداد تشبیه	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۲	۹	۴	۵	۳	۳	۵	۲	۲	۱	۳	۱	۱۹	۱۵	۱	۱

طبق این جدول، بالاترین آمار به ترتیب بسامد از آن صائب(۱۹مورد)، بیدل(۱۵مورد) و خاقانـــی (۹ مورد) اســـت و از طرفی با توجه به این که از میان این ۸۳ تشـــبیه،۵۷ مورد آن در مجموعه‌ی آیینه‌ای برای صداها آمده که از نظر زمانی نسبت به مجموعه‌ی هزاره‌ی دوم آهوی کوهی مقدّم است، نتیجه می‌گیریم که شفیعی در شعرهای دفترهای اول بیشتر تحت‌تاثیر شاعران سبک هندی بویژه صائب و بیدل بوده‌است.

۵-۲- تشـــبیه‌های‌که با الفاظ متفاوت ولی معنی یکسان با تشبیه‌ها شاعران گذشته آمده‌اند. منظور تشبیه‌های‌ست که در شعر گذشته به کار رفته‌اند ولی در شعر شفیعی با جانشـــینی لفظ مترادف به جای مشبه یا مشبه‌به یا با اندکی تفاوت در لفظ آمده‌اند ؛ به طور مثال در شعر شفیعی «کشتزار آرزو» و در شعر گذشته «کشت آرزو» و نیز«کشت امل» آمده اســـت. اغلب در تشبیه‌ها شـــفیعی گزینش الفاظ با رعایت جانب موسیقایی آنها صورت گرفته‌است؛ به طور مثال در شعر شفیعی« ظلمت تردید » و در شعر گذشته «ظلمت شـــک» آمده، شفیعی تردید را به جای شـــک به کار برده که با ظلمت در واج «ت» اشتراک دارد و واج‌آرایی ایجاد می‌کند. برای این که این تشبیه‌ها بهتر قابل مقایسه باشند، آنها را در دو ستون مقابل هم می‌آوریم:

تشبیهات‌شعرشفیعی	*نمونه‌های مشابه در شعر گذشته*
کشتزار آرزوها	کشت آرزو - کشت امل
ظلمت تردید	ظلمت شک
صخره‌ی غم	سنگ غم
زورق برگ	برگی در آب کشتی صد مور می شود
دستار شکوفه	کلاه شکوفه
شط حیات	رود حیات
خورشید دانایی	خورشید علم و دانش و دین - *آفتاب علم*
دیواره‌ی حیرت	*دیوار حیرت*
کاغذ کاهی و زرد دشت	دشت بیاض
چراغ چشم جغد	چراغ دو چشم
شعر من این چشمه	نار کلیم و چشمه ی خضر است شعر من
زنجیره‌ی زمان	*سلسله‌ی زمان*
آلاچیق شب	*خیمه‌ی شب*

۶-تشبیه‌ها نو:

بعضی از تشـــبیه‌ها در شعر شـــفیعی نو و تازه می‌نماید. این تشبیه‌ها را با توجه به

علّت تازگی و شگردی که منجر به نو شدن آنها شده در دسته‌های زیر می‌آوریم:

۶-۱-آنهایی که در شـــعر فارسی بی‌سابقه‌اند.دامنه‌ی جست و جوی ما برای یافتن نمونه‌های مشابه شعر شاعرانی است که در نرم‌افزار رایانه‌ای دُرج ثبت شده است.

۶-۲- تشـــبیه‌ها مبتذلی که با دخل و تصرف شـــاعر و افزودن قیدی یا صفتی تازه می‌نمایند ؛ مانند «باران ابریشـــمین نگاه» در شـــعر: در زیر باران ابریشـــمین نگاهت / بار دگرای گل سایه‌رســـت چمنزار تنهایی من / چون جلگه‌ای ســـبز و شـــاداب گشتم (آیینه:۱۲۶). آوردن صفت ابریشمین برای مشبه‌به تازگی به آن بخشیده است و گر نه این تشـــبیه بدون این صفت در شـــعر فارسی آمده است:ای که داری چون هدف ذوق لباس سرخ و زرد / تیر باران نگاه خلق را آماده باش (صائب)

۶-۳- تشـــبیه‌های که شاعر بین یک مشبه و مشبه‌به تکراری رابطه‌ای جدید کشف کرده یعنی طرفین تشـــبیه تکراری است امّا وجه‌شبه تازه و نو است؛ مانند: در خویش سفر می‌کنم از خویش چو دریا / دیوانه‌ی دیدار حریم دل خویشم (آیینه:۸۷). هر چند تشبیه شخص به دریا تکراری است امّا وجه‌شبه تازگی دارد شاعر بین مشبه و مشبه‌به رابطه‌ی جدیدی کشـــف کرده‌اســـت، خود را همچون دریا می‌بیند که از خویش و در خویش سفر می‌کند.

۶-۴- تشـــبیه‌های که با یکی از صنایع ادبی دیگر مانند واج‌آرایی،حس‌آمیزی و... همراه شده‌اند و از ارزش هنری خاصی برخوردارند:

۶-۴-۱-تشبیه و واج‌آرایی: بسامد واج‌آرایی در شعر شفیعی‌کدکنی بالاست تا حدی که یکی از ویژگی‌های ســـبکی شـــعرش به شمار می‌آید. وی در انتخاب الفاظ مشبه و مشبه‌به نهایت دقت و وسواس را به خرج می‌دهد تا الفاظ به گونه‌ای انتخاب شوند که جانب موسیقایی آنها رعایت شود. بنابراین در بسیاری از تشبیه‌ها واج‌آرایی هم لحاظ شـــده که هم بر غنای موسیقایی شـــعر افزوده و هم به تشبیه زیبایی و تازگی بخشیده

اســت. از میان ۱۵۱ مورد تشبیه نو ۲۵مورد با واج آرایی همراه است؛ مانند: شط روان شن‌ها(هزاره:۱۹)، بستر سکوت (آیینه:۹۴)، دژخیم مرگزای زمستان(آیینه:۹۴)، کوله‌بار ابر (آیینه: ۹۵)، میغ ابهام (آیینه:۱۰۳)، هیمه‌ی هر هول ، زمهریر لحظه، شطی از شتاب (هزاره: ۱۲۳)، جوی جســتجوی(هزاره:۱۲۶)، بیشــه‌ی باورها (هــزاره: ۱۲۷)، قاره‌ی بی‌قرار عشــق(هزاره:۱۹۴)،کوچه‌ی کلمات (هزاره:۲۱۰)، شط خاموشی (آیینه:۲۳۳)، شــط شــب (آیینه:۲۵۰)، مقراض آذرخش (هزاره:۲۳۵)، مجمر مرجان به طاق موج(هزاره: ۲۹۳)، ســطل زباله‌ای ســت زمین در فضا رها(هزاره:۳۳۶)، اســم جامد ستاره سنگ(هزاره: ۴۰۲)، مرجع ضمیر زندگی (هزاره:۴۰۳)، طورِ تامل(هزاره: ۴۰۶)، هستی هیمه‌وار(هزاره:۴۱۳)، چرخشت شکیبایی(هزاره:۴۲۲)، صفّه‌ی صنوبران(هزاره:۴۲۷)، شــیار شــبهه و شــک (هــزاره:۴۵۸)، کوچــه‌ی کلام مخیّــل(هزاره:۴۸۴)،کوچــه‌ی کودکی‌ها(هزاره:۴۷۸)

۶-۴-۲- تشــبیه و حس‌آمیزی: در این تشــبیه‌ها هر کدام از طرفین تشبیه به یکی از حواس پنجگانه مربوط می‌شــوند ؛ به طور مثال در تشــبیه«چراغ کلام» مشبه(کلام) مربوط به حس شــنوایی و مشــبه‌به (چــراغ) مربوط به حس بینایی اســت. این گونه تشــبیه‌ها که در شعر شــفیعی بســامد به نســبت بالایی دارند و می‌تواند یک ویژگی ســبکی به شمار آید، باعث زیبایی خاصی در شعر می‌شــوند بویژه در نمونه‌هایی که مشــبه‌به از امور مربوط به حس بینایی اســت.در این موارد مشــبه که از مقوله‌ی امور شــنوایی یا بویایی ست به کمک مشبه‌به، به یک پدیده‌ی دیداری و قابل تجسّم تبدیل شده‌اســت ؛ به طور مثال در تشبیه«شــمع واژه‌ها» خواننده واژه‌ها را به صورت شــمع تصور می‌کند. برای این تشــبیه‌ها در شــعر شــفیعی می‌توان دو آبشــخور حدس زد: یکــی میــراث ادب صوفیه که حس‌آمیزی در آثار صوفیه اعم از نثر و شــعر فراوان به کار رفته اســت و خود استاد شــفیعی درباره‌ی مبانی حس‌آمیزی و حس‌آمیزی عارف

و حس‌آمیـزی در عرفان مفصّل بحـث و تفحّص کرده‌انـد(۱۳۹۲: ۴۴۶-۴۸۴) حتی به نظر می‌رسـد بعضی از تشـبیه‌ها هم متاثّر از متون عرفانی است.ازجمله تشبیه‌های مانند: چراغ شـعر(هزاره:۳۹۵)، چراغ کلام(هزاره:۹۴)، چـراغ صدا(هزاره:۵۴)، چراغ حروف(آیینه:۳۴۲) بی‌تاثیر از سـخن عطّار درباره‌ی ابوالحسـین نوری نیسـت آن جا که می‌گوید:«چون درشـب تاریک سـخن گفتی نور ازدهـان او بیرون‌آمدی چنان که خانه روشـن شـدی» (تذکره‌الاولیا، ۱۳۸۸:۴۷۶). آبشـخور دیگر شـعر سبک هندی بویژه شـعر بیدل اسـت که یکی از ویژگی‌های سـبکی آن حس‌آمیزی است و بنا بر تحقیق خود اسـتاد بسامد آن در شعر این شاعر بسـیار بالاست(شفیعی‌کدکنی،۱۳۶۶: ۴۲) باید توجه داشـت که هر دوی این حوزه‌های فرهنگی یعنی ادب صوفیه و شـعر بیـدل جزو قلمروهای مطالعاتی وتحقیقاتی اسـتاد بوده ودر ایـن زمینه پژوهش‌های ارزشمند و بی‌نظیری عرضه داشته‌اند. نمونه‌های این تشبیه‌ها عبارتنداز: حریر رازبفت قصه‌های دور(آیینه:۱۱۴)،اطلس شمیم بهاران(آیینه:۱۶۹)جوی هزار زمزمه(آیینه:۱۶۹)، خوشـترین هذیان‌ها /خزه‌ی سـبز لطیفی اسـت کـه در برکه‌ی آرامـش تو می‌روید (آیینه:۲۶۳)، چراغ حروف(آیینه:۳۴۲)، آب همهمه (آیینه:۴۹۱)، همه جان چون نسـیم آرامشـی و بریشم آوایی(هزاره:۱۵)، چراغ صدای(هزاره:۵۴)، چراغ کلام (هزاره:۹۴)، بـاغ صدا(هزاره:۲۰۱)، کوچه‌ی کلمات(هزاره:۲۱۰)، جویبار نغمه‌ی نغز (هزاره:۲۹۳)، چراغ شعر(هزاره:۳۹۵)، شمع واژه‌ها (هزاره:۳۲۶).

۶-۴-۳-تشبیه و ایهام: یکی دیگر از ویژگی‌های تشبیه‌ها شفیعی همراهی تشبیه با یکی از گونه‌های مختلف ایهام است. همراهی این شگرد هنری با تشبیه باعث می‌شود تا ذهن خواننده تأمل بیشتری بر متن داشته باشد و برای کشف زیبایی شعر تلاش بیشتری از خود بروز دهد و چه بسا میان دو معنی سرگردان بماند و در نتیجه لذّت بیشتری هم از آن ببرد ؛ به طور مثال در تشبیه«تیر زهرآگین طعن» که طعن به تیر تشبیه شده، طعن

در این‌جا به معنی ســرزنش است امّا معنای دیگرش یعنی«نیزه‌ی‌کوچک» با واژه‌ی تیر ایهام‌تناســب برقرار می‌کند و با واژه‌ی«نیزه»که در ادامه‌ی شعر آمده‌است، ایهام ترجمه ایجــاد می‌کند:تیر زهرآگین طعنش مانده درچشــمان/ تکیه داده خســته‌جان،بر نیزه‌ی تنهایی‌اش بی‌کس/هیچش آن دســتان خون‌آلوده پنداری به فرمان نیســت(آیینه:۱۱۳) در شــعر: باد، این چاووش راه کاروان گرد/ نغمه پرداز شکست خیل مغرور سپاه من/ می‌ســراید در نهفت پرده‌های بــرگ / قصه‌های مرگ(آیینه:۱۱۴)در تشــبیه «پرده‌های برگ» ایهام‌تناسب رعایت شده‌است؛ پرده هم به معنی پوشش و حجاب و هم به معنی نغمه و آهنگ اســت.معنی دومّش با واژه‌های«نغمه‌پرداز» و«می‌سراید»تناسب دارد. در شــعر: به رنگ دود در آیینه‌ها نمودار است/ و در رواق مساجد شکاف افتاده است/ و در کنیســه‌ی گل‌های ساده‌ی مریم / مجال شــوق و نیایش نمی‌دهد ما را (آیینه:۲۰۲) واژه‌ی«مریم» نام گل اســت و با توجه به کنیسه (عبادتگاه ترسایان)، نام مادر حضرت عیســی (ع)را بــه یاد مــی‌آورد و با آن ایهام تناســب بر قرار می‌کند. و یا در تشــبیه « ابریشــم‌آوا» ابریشم که نوعی پارچه اســت، با توجه به آوا، به معنی تار سازهای زهی ایهام‌تناســب دارد:«چو جای بزم بگزینند خوبان در گلســتان‌ها / همه جان چون نسیم آرامشی و بریشم‌آوایی »(هزاره:۱۵) در تشبیه «شکرپنجه » هم شکر ایهام دارد: ۱- نام مطربی اصفهانی که خســرو پرویز با او ازدواج کرد ۲- مادّه‌ی ســفید و شــیرین:«آن ســو ادامه دارد و دارد هنوز هم/.../ آواز عاشــقان سمرقند / آواز مطربان شکرپنجه/در سماع/ آواز عاشقان بخارا»(هزاره: ۷۸) بنابراین می‌توان دو شکل معنی کرد: ۱- مطربی که مانند شــکر اصفهانی می‌نوازد ۲- مطربی که نواختنش شــیرین و دل‌پذیر اســت. همچنین در شــعر: جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار/ فعل لازم نفس کشیدن گیاه / اســم جامد ســتاره، سنگ / اشــتقاق برگ از درخت / و آنچه زین قبل سوال‌هاست (هزاره:۴۰۲) «فعل لازم» ایهام دارد:۱- اصطلاح دستوری۲-عمل لازم و ضروری برای

زندگی. همچنین«جامد» دو معنی دارد: ۱- اصطلاح دستوری۲- با توجه به«سنگ» معنی ماده‌ای که مایع یا گاز نباشد.

۶-۴-۴-تشبیه و تجاهل‌العارف: تشبیه وقتی با تجاهل‌العارف همراه می‌شود منجر به اغراق در شباهت و همانندی مشبه و مشبه‌به می‌گردد به گونه‌ای که شاعر ادعا می‌کند آنها را از هم نمی‌تواند بازشناسد. جالب‌تر این‌که این ادعا از طریق یک پرسش بلاغی بیان می‌شود و شاعر به طور مستقیم هیچ حرفی از تشبیه به میان نمی‌آورد و به اصطلاح از تشبیه مضمَر استفاده می‌کند که خود این امر بر ارزش زیباشناسی شعر می‌افزاید. در نمونه‌های زیر شاعر نمی‌گوید تگرگ بر سبزه مانند هاله‌ی گرد ماه است یا تیک‌وتاک ساعت زیر سر مانند صدای چشمه‌ی جوشانی‌ست که قطره قطره به مرداب فروچکد، بلکه می‌گوید من نمی‌دانم این است یا آن. ولی ما از طریق این که تفاوت این دو پدیده خیلی آشکار است و چندان دشوار نیست که از حد دریافت و تشخیص شاعر خارج باشد، در می‌یابیم که شاعر خود را به نادانی زده است تا در مشابهت آنها اغراق کند:

۱- نیماب تگرگی است بر به سبزه / یا هاله گرفته است گرد مه را ؟ (آیینه:۳۵۷)

۲-این تیک و تاک ساعت مچبند زیر سر/ یا این صدای چشمه‌ی جوشان عمر توست / کاین‌گونه قطره قطره به مرداب می‌چکد ؟ (آیینه:۴۸۱)

۶-۴-۵-تشبیه‌های که طرفین تشبیه یا یکی از آن دو از امور مربوط به زندگی و جامعه‌ی امروز یا واژگان زبان امروز است؛ مانند: جلگه(آیینه:۱۲۶)، فلزی(آیینه :۱۴۴)،پستانک(آیینه:۱۷۷)، شاعر دیروز و مخاطبش- دو واژه به یک معنی(آیینه: ۲۰۹)،اسفالت(آیینه:۳۵۲)،واج(آیینه:۴۶۲)،نثرساده(آیینه:۴۶۴)،شبدر(آیینه:۴۶۲)،زن جره(آیینه:۴۸۰)،همهمه(آیینه:۴۹۱)، واژه (آیینه:۴۹۱)، چهلچراغ (هزاره:۱۱۱)، قاره (هزاره:۱۹۴)،گاری(هزاره:۲۱۱)، چراغ قرمز(هزاره:۲۱۱)، گرد سوز (هزاره:۲۶۹)،

کاغذ کاهی(هــزاره:۲۷۴)، مغناطیس (هزاره:۳۲۱)، ســطل زباله (هزاره:۳۳۶) جمله ســاده(هزاره:۴۰۲)، فعل لازم (هزاره:۴۰۲)، اسم جامد (هزاره:۴۰۲)، سبک و بافت (هزاره:۴۸۴)

۶-۴-۶- تشــبیه‌ها مســتعمل و مبتذلــی که با الفــاظ جدید ارائه شــده‌اند ؛ مانند: و فانــوس بلورین ســتاره / بر این نیلی رواق جاودان دور / چراغ روشــن کاشــانه‌ی اوســت(آیینه:۱۰۶) اغلب در شــعر فارسی ستاره به چراغ تشــبیه شده است، شفیعی به جای چراغ از لفظ«فانوس بلورین»اســتفاده کرده و همین انتخاب لفظ جدید که با مشــبه تناسب لفظی (واج آرایی) هم برقرار می‌کند، به اضافه‌ی صفت« بلورین» باعث تازگی تشــبیه شده اســت.نمونه‌ها: وخیمه‌ی قبایل تاتار / تا قلّه‌ی بلند آلاچیق شب / آتش گرفت و سوخت (آیینه:۲۴۸) به جای «خیمه» که به طور معمول در شعر گذشته مشــبه‌به برای «شب» به کار رفته، شــفیعی از واژه‌ی «آلاچیق» استفاده کرده و به تشبیه تازگی بخشیده است. از جمله نمونه‌های شعر گذشته به بیت زیر می‌توان اشاره کرد:

طناب بافته باشــد بدان امید که باز ز صبح خیمه‌ی شب را مگر طناب کنند

(مسعود سعد)

در شعر: با این که یک بهار و دو پاییز / زنجیره‌ی زمان را / - با سبز و زردشان - / از آب رودخانه گذر دادند / دیدیم / در آب رودخانه همه سال / خون بود و خاک گرم که می‌رفت (آیینه:۲۸۲) شــفیعی به جای واژه‌ی «سلســله»که در شعر گذشته به عنوان مشــبه‌به زمان فراوان به کار رفته اســت، «زنجیره» را برگزیده که هم تناسب موسیقایی با مشبه دارد و هم نو و بی‌سابقه است. تشبیه برف به لباس جدید نیست ولی شفیعی به جای لباس یا جامه واژه‌ی «شــولا» را برگزیده که علاوه بر این که در شعر گذشته بی‌ســابقه است، با تشــبیه بعدی «شیشــه‌ی یخ» واج‌آرایی ایجاد می‌کند و تازه و زیبا می‌نماید: بنگر آنجا در آن ســپیداران / خفتگان‌اند لیک بیداران / زیر شــولای برف و

شیشـــه‌ی یخ / از دم زمهریری دی‌ماه / زندگی را نهفته می‌دارند (هزاره:۲۳۸). در شعر گذشـــته آمده است: درید بر بدن سبزه سیل جامه‌ی برف / ربود صوت عنادل ز چشم نرگس خواب (محمد فضولی)

۶-۴-۷- کاربرد واژگان و مفاهیم نقد ادبی در جایگاه مشـــبه یا مشبه‌به: شفیعی در بعضی تشبیه‌ها از مفاهیم و اصطلاحات ادبی به عنوان مشبه‌به استفاده کرده ؛ مثلا نسیم و آب و جویبار را به جمله‌ی ساده، شاعر امروز و مخاطبش را دو خط موازی و شاعر دیروز و مخاطبش را به دو واژه به یک معنی تشـــبیه می‌کند: جمله‌های ســـاده نسیم و آب و جویبار/ فعل لازم نفس کشیدن گیاه / اسم جامد ستاره، سنگ / اشتقاق برگ از درخت / و آنچه زین قبل سوال‌هاست (هزاره:۴۰۲)

و امروز چون دو خط موازی/در امتداد یک راه،یک شـــهر،یک افق / بی‌نقطه تلاقی و دیـــدار / حتّـــی/ در جاودانگی / دیروز – چون دو واژه به یک معنی –/ از ما دوگانه هریک سرشار دیگری / اوج یگانگی (آیینه:۲۰۹)

۶-۴-۸-تشبیه و واژه‌سازی: در بعضی از تشبیه‌ها از ترکیب مشبه و مشبه‌به واژه‌ی جدید ســـاخته شـــده که این امر بر زیبایی و تازگی تشـــبیه افزوده‌اســـت؛ مانند: نعره سنگ(آیینه:۲۵۱)،واجموج(آیینه:۴۶۲)،ابریشـــم‌آوا (هزاره:۱۵)، شکرپنجه(هزاره:۷۸) و آذرخش‌واژه‌ی شعر(هزاره:۸۸).

۷-تشبیه‌ها شفیعی و تشبیه‌ها شعر سنّتی:

بر خلاف شعر سنّتی که به طور معمول تصاویر پراکنده و نامنسجم‌اند و هر تصویر برای خود جزیره‌ای مســـتقل اســـت، در شعر شفیعی تشـــبیه‌ها منسجم و هماهنگ‌اند. اجزای تشبیه از یک حوزه‌ی معنایی یا از حوزه‌هایی نزدیک به هم انتخاب شده‌اند این امر علاوه بر این که بر زیبایی شـــعر می‌افزاید به انسجام و یک‌پارچگی ساختمان شعر

هم کمک می‌کند ؛ به طور مثال در شعر صرف و نحو زندگی (هزاره:۴۰۲) تشبیه‌های مانند: جمله‌های ساده‌ی نسیم، فعل لازم نفس‌کشیدن گیاه، اسم جامد ستاره، مرجع ضمیر زندگی آمده‌است که مشبه‌به‌ها همگی از اصطلاحات دستور زبان‌اند. یا در شعر «شعر۲» (هزاره: ۴۸۳) وقتی می‌خواهد نارسایی تعریف‌های شعر را بیان‌کند برای تصویرسازی از واژه‌های«نشانی،کوچه، چار راه و میدان » استفاده می‌کند که مربوط به یک حوزه‌ی معنایی‌اند و تشبیه‌ها: کوچه‌ی کلام مخیّل، چار راه ابهام و میدان سبک و بافت را می‌آفریند: بیهوده پرسشی‌ست که پرسیم / از هر کسی نشانی او را / زیرا / بسیارها نشانی بی‌جا: از کوچه‌ی کلام مخیّل / تا چار راه ابهام، میدان سبک و بافت / خواهند گفت و باز دریغا / هرگز کسی نشانی او را / در ازدحام واژه، نخواهد یافت(هزاره: ۳۸۴). در شعر خوشا پرنده هم مشبه‌به‌های «کوچه،گاری، چراغ قرمز، راهبند و خیابان » را به کار می‌برد که با هم متناسب و مربوط زندگی شهری امروزی‌اند: « زکوچه‌ی کلمات / عبور گاری اندیشه است و سدّ طریق / تصادفات صداها و جیغ و جار حروف / چراغ قرمز دستور و راهبند حریق / تمام عمر بکوشم اگر شتابان من / نمی‌رسم به تو هرگز ازین خیابان من » (هزاره: ۲۱۰ و ۲۱۱)

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل ۴۵۶ تشبیه استخراج شده از دو مجموعه‌ی شعری شفیعی‌کدکنی نشان می‌دهد که: ۱- تشبیه‌ها فشرده با آمار ۳۶۲ مورد نزدیک به چهار برابر تشبیه‌ها گسترده با آمار۹۴ است ۲- از مجموع تشبیه‌ها ۵۳/۶ % محسوس به محسوس،۴۳/۷ % معقول به محسوس، ۰/۸ % معقول به معقول و ۱/۷ % محسوس به معقول است ۳- تشبیه‌ها مفصّل در شعر شفیعی‌کدکنی بسیار کم است و در میان مجموع ۴۵۶ تشبیه ۲۵ مورد تشبیه مفصّل دیده می‌شود. همان تعداد محدود هم یا

از تشبیه‌های‌ســت که نو و تازه‌اند و شــاعر باید وجه‌شبه را بیاورد تا تشبیه توجیه‌پذیر باشــد و یا از مواردی‌ست که وجوه‌شبه متعدد و متنوع است و شاعر وجه‌شبه خاصی را در نظر دارد یا این که شــاعر وجه‌شــبهی تازه یافته که زیبایی تشــبیه در آن است. ۴- بررســی مشــبه‌به‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشــبه‌به‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن ســنتّی و کهن اســت. بســامد بالای مشــبه‌به‌ها در این دو حوزه معنی‌دار اســت. طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشــه‌ی شــفیعی دارد و یکی از سه ضلع مثلث هویت شعری وی را تشکیل می‌دهد. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به طبیعت نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شــفیعی است. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به زندگی و تمدن سنّتی هم با ضلع «تاریخ و فرهنگ‌گرایــی» مثلث هویت شــعر شــفیعی ارتباط دارد. بنا به گــزارش تالیفات و پژوهش‌ها و محتوای بســیاری از شــعرها، شــفیعی دل‌بســته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی اســت. یکی از نمودهای این دل‌بستگی فراوانی همین مشبه‌به‌هاســت که در واژه‌هایی مانند: چرخشت، مجمره، مِجری، خرقه، دستار، سبو، رخش رویین که از زبان کهن فارســی انتخاب شــده و مربوط به زندگی ســنتی ست، نمود یافته است ۵- یکی از ویژگی‌های تشبیه‌ها شفیعی‌کدکنی رعایت وجه موسیقایی آنهاســت. از میان ۴۵۶ تشــبیه در ۵۴ مورد بین طرفین تشــبیه تناســب لفظی رعایت شــده اســت. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شــفیعی به حدّی است که شگردهای مختلف موســیقی‌افزایی مانند واج‌آرایی، ســجع، جناس و تکرار، یک ویژگی ســبکی وی به شــمار می‌آید. ۶- عنصر غالب در تشبیه‌ها شــفیعی طبیعت است از میان ۴۵۶ تشــبیه در ساختمان ۲۳۲ تشــبیه در جایگاه مشبه یا مشبه‌به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت اســتفاده شده‌اســت. جلوه‌های گوناگون طبیعــت علاوه بر این کــه موجــد تصویرهای زنده و جذّاب شــده، از نظر زبان و معنی هم به شــعر غنی و

گستردگی بخشیده‌است ۷- بررسی تشبیه‌ها تکراری شعر شفیعی و مقایسه آنها با شعر شـــاعران گذشته نشـــان می‌دهد بالاترین آمار به ترتیب بسامد از آن صائب(۱۹مورد)، بیدل(۱۵مورد) و خاقانی (۹ مورد) اســـت و از طرفی با توجه به این که از میان این ۸۳ تشبیه،۵۷ مورد آن در مجموعه‌ی آیینه‌ای برای صداها آمده که از نظر زمانی نسبت به مجموعه‌ی هزاره‌ی دوّم آهوی کوهی مقدّم اســـت، نتیجه می‌گیریم که شـــفیعی در شعرهای دفترهای اوّل بیشتر تحت تأثیر شاعران سبک هندی بویژه صائب و بیدل بوده اســـت ۸- تشبیه‌ها نو شـــفیعی به طور معمول با یکی از صنایع بدیعی مانند واج‌آرایی، ایهام و حس‌آمیزی همراه است یا تشبیهی مستعمل است که با تصرفی نو شده‌است ۹- بر خلاف شعر سنّتی که به طور معمول تصاویر پراکنده و نامنسجم‌اند، در شعر شفیعی تشـــبیه‌ها منســـجم و هماهنگ‌اند. اجزای تشبیه از یک حوزه‌ی معنایی یا از حوزه‌هایی نزدیـــک به هم انتخاب شـــده‌اند این امر علاوه بر این که بر زیبایی شـــعر می‌افزاید به انسجام و یک‌پارچگی ساختمان شعر هم کمک می‌کند.

فهرست منابع

۱-براهنی، رضا(۱۳۷۱) طلا در مس،۳ج، تهران: ناشر نویسنده.

۲-بهمنی‌مطلق، حجت‌الله(۱۳۹۲)« بازتاب میراث صوفیه در شعر شفیعی‌کدکنی»، مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه زنجان، شهریورماه ۱۳۹۲.

۳-پورنامداریان،تقی(۱۳۷۴)سفر در مه، تهران: زمستان.

۴-زرقانی، مهدی(۱۳۸۳)چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.

۵-شفیعی‌کدکنی محمدرضا(۱۳۶۶)، شاعر آیینه‌ها، تهران: آگاه.

۶- ------------------(۱۳۶۸)، صور خیال در شعر فارسی،تهران: آگاه.

۷- ------------------(۱۳۷۶)، هزاره‌ی دوّم آهوی کوهی، تهران: سخن.

۸- ------------------(۱۳۷۹)، آیینه‌ای برای صداها، تهران: سخن.

۹- ------------------(۱۳۸۲)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.

۱۰- ------------------(۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیانه، تهران: سخن.

۱۱- شمیسا، سیروس(۱۳۷۶) بیان، تهران: فردوس.

۱۲- -------------(۱۳۷۸)کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس

۱۳- فتوحی، محمود(۱۳۸۶) بلاغت تصویر، تهران: سخن.

۱۴- عطار نیشابوری(۱۳۸۸)تذکره‌الاولیا، تصحیح نیکلسون تهران: هرمس.